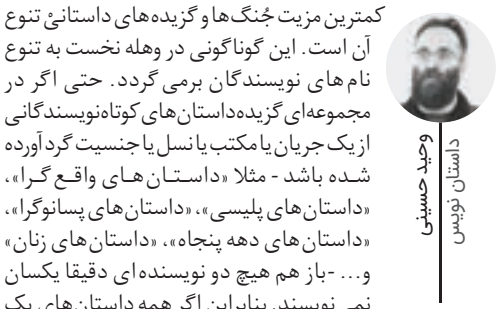




بسته‌هایی پر از داستان کوتاه

نگاهی گذرا به چند جنگ پر حجم از داستان کوتاه فارسی



کمترین مزیت جنگ‌ها و گزیده‌های داستانی تنوع آن است. این گوناگونی در وهله نخست به تنوع نام‌های نویسندگان برمی‌گردد. حتی اگر در مجموعه‌ای گزیده‌داستان‌های کوتاه‌نویسندگانی از یک جریان یا مکتب یا نسل یا جنسیت گردآورده شده باشد - مثلا «داستان‌های واقع‌گرا»، «داستان‌های پلیسی»، «داستان‌های پسانوگرا»، «داستان‌های دهه پنجاه»، «داستان‌های زنان» و... - باز هم هیچ دو نویسنده‌ای دقیقا یکسان نمی‌نویسند. بنابراین اگر همه داستان‌های یک مجموعه را نویسندگانی مدرنیست نوشته باشند، به‌رغم همسانی‌ها تنوع دست‌کم به اندازه شمار نویسندگان داستان‌های آن مجموعه است. این جور به‌جوری کارها می‌تواند مانع یکنواختی کتاب و سر رفتن حوصله خواننده شود. همچنین با پیش‌روی مخاطب گذشتن تصویری از یک گونه یا جریان خاص نوشتن یا مقطعی تاریخی از ادبیات کشور یا فارسی این جغرافیا و جز این‌ها شناخت مخاطب را از ادبیات گسترش می‌دهد. گاهی نیز گزینشگر سنجه خاصی را برای انتخاب‌های خود لحاظ نمی‌کند و به ذائقه و سلیقه خود پشت می‌دهد. در این صورت، در کنار بالا بردن احتمال جوری جنسش وجعه‌آینه‌ای رنگارنگ از داستان‌های مختلف پیشنه‌ای که برای مشتری (مخاطب) نمایش می‌دهد، شمایلی از سلیقه خود را به مخاطب آشکار می‌سازد. در ایران نیز مانند دیگر کشورها سنت انتشار جنگ‌های داستان کوتاه رایج است. برخی کتاب‌های منتشرشده در این راستا پرچم و دامنه‌دار بوده‌است و این نشان از پشتکار گردآورنده دارد. در ادامه نمونه‌هایی از این آثار را معرفی می‌کنیم که تعداد درخور توجهی از داستان‌های کوتاه فارسی را ارائه کرده است.

- جست‌وجوی دو قسمتی

یکی از نخستین کسانی که دست به گردآوری داستان‌های فارسی زد، محمدعلی سپانلو بود که در سال ۱۳۴۹ کتاب «بازآفرینی واقعیت» را با یازده اثر از نویسندگان ایرانی به چاپ رساند. اوبعدها تعداد کارها را به پانزده و در سال ۱۳۶۸ به بیست و هفت داستان افزایش داد. «بازآفرینی واقعیت» نوشته‌هایی از نسل‌های گذشته ادبیات داستانی ایران را در برمی‌گیرد: بزرگ علوی و سیمین دانشور و احمد محمود و جمال میرصادقی و محمود دولت‌آبادی و نادر ابراهیمی و اسماعیل فصیح و دیگران. یک ویژگی این کتاب بیش از ششصد صفحه‌ای، تفسیرها و توضیحاتی است که سپانلو درباره داستان‌ها و نویسندگانشان آورده است تا درکی بیشتر و ژرف‌تر را برای خواننده محقق کند. این شاعر و مترجم و پژوهشگر ادبیات در سال ۱۳۷۷ جلد دومی بر این کتاب - کمابیش در همان حجم - به نام «در جست‌وجوی واقعیت» منتشر ساخت و این بار به سی و یک نویسنده دیگر توجه نشان داد که بیشترشان - و نه همگی - از نسل‌های بعدی بودند: اصغر الهی، جعفر مدرس صادقی، عباس معروفی، صمد طاهری، علی‌خدایی، شهریار مندنی‌پور، ابوتراب خسروی، محمد کشاورز و

- همیان داستان

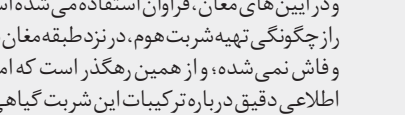
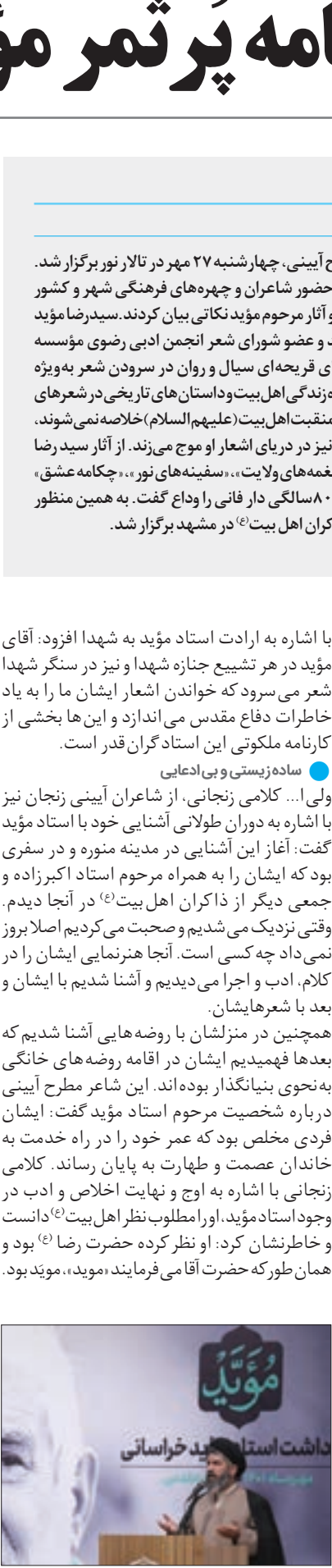
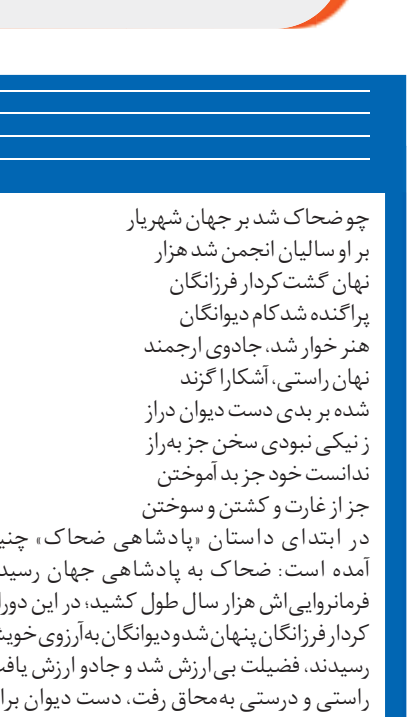
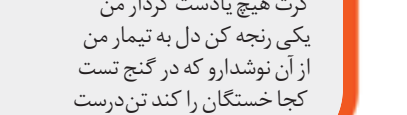
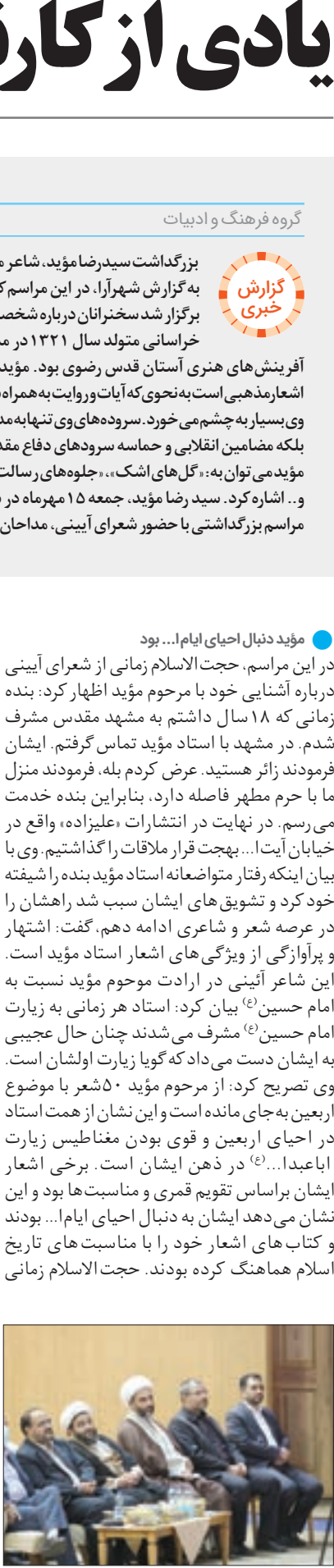
اما سال ۱۳۷۱ کتاب پرجمعی (در سه جلد و بیش از دو هزار صفحه) چاپخش شد که از لحاظ تنوع کار ارزشمند و نسبتا جامع بود. عنوان فرعی کتاب که داخل کماکن آمده، گویاست: «همیان ستارگان (به‌گزینی از داستان‌های کوتاه ایرانی از آغاز تا امروز)». محمد خلیلی و مصطفی فغله‌گری در این مجموعه، به‌جز نویسندگان فعال و شناخته‌شده یا ناشناخته داستان کوتاه فارسی تا آن زمان، از برخی اهالی قلم که در حوزه‌هایی چون شعر و ترجمه مطرح بوده‌اند هم داستان کوتاه‌آلفینی گنجانده‌اند؛ کسانی چون نیما یوشیج، کریم کشاورز، احمد شاملو، مصطفی رحیمی و دیگران.

- پردامنه اما ناتمام

یکی از جامع‌ترین جنگ‌های داستان کوتاه که در ایران نشر یافته، مجموعه هفت جلدی «داستان‌های محبوب من» است. این کتاب‌ها با گزینش علی‌اشرف درویشیان و نقدهای رضا خندان مهابادی شکل گرفت و جلد نخست آن سال ۱۳۸۰ و واپسین مجلدش سال ۱۳۹۶ انتشار پیدا کرد. از مختصات این مجموعه خواندنی که شامل داستان‌های فارسی از سال ۱۳۰۰ تا پایان دهه هفتاد است، تنوع شکلی و محتوایی داستان‌ها با وجود شهرت مؤلف به رویکرد اجتماعی است. همچنین نقدهای روشن و آموزنده خندان برای هنرجوی داستان‌نویسی می‌تواند راهگشا و سودمند باشد. اگر عمر درویشیان به دنیا بود و بازدارنده خاصی در کار نمی‌بود، دست‌اندرکاران این مجموعه بنا را بر ادامه کار گذاشته بودند که میسر نشد.



#زین‌قندپارسی

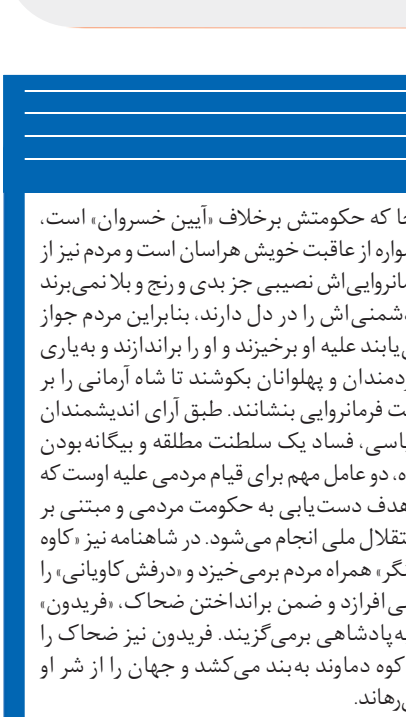


مراسم نکوداشت سیدرضا مؤید با شاعران، مدیران و علاقه‌مندان به شعر آیینی در مشهد برگزار شد

یادی از کارنامه پُر ثمر مؤید



برگزاری مراسم نکوداشت این شاعر آیینی به «شهرآرا» گفت: افتخارات هر کشور و سرزمین متفاوت است. در نظام و کشور ما هم فرهنگ و قله‌های فرهنگی همچون استاد مؤید از سرمایه‌های اصلی ایران هستند. وی افزود: شعر ایشان مظهر دو نکته بود: مظهر شعر آیینی عالمانه و مظهر شعر آیینی اجتماعی. ارجائی تأکید کرد: ردپای آیات و روایات در شعر استاد مؤید به وضوح نمایان بود که نشان‌دهنده عمق تفکر و تسلط استاد بر مبانی دینی است. وی خاطرنشان کرد: مبانی و مسائل انقلابی در شعر ایشان ساری و جاری است. در پایان مراسم نکوداشت آقایان ماهر خسار، واعظی، قانع، سیدی، مبارز، پویانفر به مدیحه‌سرایی و شعرخوانی پرداختند. گفتنی است در این مراسم حجت‌الاسلام گنابادی نژاد معاون امور زائران استانداری خراسان رضوی، حجت الاسلام احمدزاده مدیر کل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی، نصرپور مدیر کل صدا و سیما ی استان خراسان رضوی، جمعی از اعضای شورای شهر و همچنین شاعران و مداحانی همچون سید محمدجواد شرافت، حجت الاسلام محمدجواد زمانی، ولی... آقامی، سیدحمیدرضا برقی، سید ابوالفضل مبارز، نوید اطاعتی، احمد واعظی، سید جعفر ماهرخسار و شمار دیگری از چهره‌های فرهنگی در این مراسم حضور داشتند.



با اشاره به ارادت استاد مؤید به شهدا افزود: آقای مؤید در هر تشییع جنازه شهدا و نیز در سنگر شهدا شعر می‌سرود که خواندن اشعار ایشان ما را به یاد خاطرات دفاع مقدس می‌اندازد و این‌ها بخشی از کارنامه ملکوتی این استاد گران‌قدر است.

- ساده‌زیستی وی بی‌ادعایی

ولی... کلامی زنجانی، از شاعران آیینی زنجان نیز با اشاره به دوران طولانی‌اشنی خود با استاد مؤید گفت: آغاز این آشنایی در مدینه منوره و در سفری بود که ایشان را به همراه مرحوم استاد اکبرزاده و جمعی دیگر از ذاکران اهل بیت^(ع) در آنجا دیدم. وقتی نزدیکی می‌شدیم و صحبت می‌کردیم اصلا بروز نمی‌داد چه کسی است. آنجا هنرنمایی ایشان را در کلام، ادب و اجرا می‌دیدیم و آشنا شدیم با ایشان و بعد با شعرهایشان.

همچنین در منزلشان با روضه‌هایی آشنا شدیم که بعدها فهمیدیم ایشان در اقامه روضه‌های خانگی به‌نحوی بنیانگذار بوده‌اند. این شاعر مطرح آیینی درباره شخصیت مرحوم استاد مؤید گفت: ایشان فردی مخلص بود که عمر خود را در راه خدمت به خاندان عصمت و طهارت به پایان رساند. کلامی زنجانی با اشاره به اوج و نهایت اخلاص و ادب در وجوداستاد مؤید، او را مطلوب نظر اهل بیت^(ع) دانست و خاطرنشان کرد: او نظر کرده حضرت رضا^(ع) بود و همان‌طور که حضرت آقا می‌فرمایند «موید»، مؤید بود.

عکس حسن طاهری، شورای



روزنامه‌نگار حسن اصغرینور

دست نیست. با این وجود، هوم، نام گیاهی است که در همه کوهپایه‌ها می‌روید و افشره آن، دست‌کم، احتمالا یکی از اجزای اصلی شربت هوم بوده است.

در خراسان، در کوه و تپه‌ها، آنچه عموما به عنوان گیاه هوم شناخته می‌شود، زیرگونه‌ای از هوم است که در عوالم گیاه‌شناسی، به عنوان «هومک» ثبت و ضبط شده است؛ گیاهی شاخه‌شاخه و بی‌برگ، با میوه‌های ریز قرمز رنگی که عموما در انتهای تابستان و شروع پاییز می‌رسد.

گیاه هوم یا «افدرا» در فولکلور «آرمک» یا «ریش‌بز» خواند می‌شود. در روستاها، وقتی می‌خواهند مشک بسازند، پوست دباغی شده و دوخته شده را یک بار هم همراه شاخه‌های هوم، می‌جوشانند

دست نیست. با این وجود، هوم، نام گیاهی است که در همه کوهپایه‌ها می‌روید و افشره آن، دست‌کم، احتمالا یکی از اجزای اصلی شربت هوم بوده است.

در خراسان، در کوه و تپه‌ها، آنچه عموما به عنوان گیاه هوم شناخته می‌شود، زیرگونه‌ای از هوم است که در عوالم گیاه‌شناسی، به عنوان «هومک» ثبت و ضبط شده است؛ گیاهی شاخه‌شاخه و بی‌برگ، با میوه‌های ریز قرمز رنگی که عموما در انتهای تابستان و شروع پاییز می‌رسد.

گیاه هوم یا «افدرا» در فولکلور «آرمک» یا «ریش‌بز» خواند می‌شود. در روستاها، وقتی می‌خواهند مشک بسازند، پوست دباغی شده و دوخته شده را یک بار هم همراه شاخه‌های هوم، می‌جوشانند

بدکاری دراز بود و هیچ‌کس نمی‌توانست از نیکی سخن بگوید مگر پنهانی، ضحاک نیز کاری جز بدآموزی و غارتگری و آدم‌کشی و زندگی‌سوزی نداشت.

شارحان شاهنامه در باره ضحاک که «بیوراسب» یعنی «دارنده ده هزار اسب» نیز خوانده می‌شود، چنین نوشته‌اند که در متون زردشتی، اژدی دهاک، نام دارد و سرشت او نیز به‌شکل «ازدهافش» یا «سه‌پوزه و سه‌کله و شش چشم» توصیف می‌شود و بر همین اساس، نماد «ازدها» برای ضحاک با توجه به ماهیت اساطیری‌اش به کار رفته است.

فرمانروایی‌اش نیز می‌تواند اشاره‌ای به طولانی‌بودن دوران پادشاهی‌اش یا شاید معادل تاریخ حکمرانی یک سلسله باشد که پادشاهانش به این نام خوانده می‌شده‌اند یا طبق باورهای باستانی ایران ممکن

چو ضحاک شد بر جهان شهریار
بر او سالیان انجمن شد هزار
نهان گشت کردار فرزانگان
پراگنده شد کام دیوانگان
هنر خوار شد، جادوی ارجمند
نهان راستی، آشکارا گزند
شده بر بدی دست دیوان‌دراز
ز نیکی نبودی سخن جز به‌راز
ندانست خود جز بد آموختن
جز از غارت و کشتن و سوختن

در ابتدای داستان «پادشاهی ضحاک»، چنین آمده است: ضحاک به پادشاهی جهان رسید و فرمانروایی‌اش هزار سال طول کشید؛ در این دوران کردار فرزانگان پنهان شد و دیوانگان به‌آرزوی خوش رسیدند، فضیلت بی‌ارزش شد و جادو ارزش یافت، راستی و درستی به‌حقاقت رفت، دست دیوان برای

دست نیست. با این وجود، هوم، نام گیاهی است که در همه کوهپایه‌ها می‌روید و افشره آن، دست‌کم، احتمالا یکی از اجزای اصلی شربت هوم بوده است.

در خراسان، در کوه و تپه‌ها، آنچه عموما به عنوان گیاه هوم شناخته می‌شود، زیرگونه‌ای از هوم است که در عوالم گیاه‌شناسی، به عنوان «هومک» ثبت و ضبط شده است؛ گیاهی شاخه‌شاخه و بی‌برگ، با میوه‌های ریز قرمز رنگی که عموما در انتهای تابستان و شروع پاییز می‌رسد.

گیاه هوم یا «افدرا» در فولکلور «آرمک» یا «ریش‌بز» خواند می‌شود. در روستاها، وقتی می‌خواهند مشک بسازند، پوست دباغی شده و دوخته شده را یک بار هم همراه شاخه‌های هوم، می‌جوشانند